

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای کازرونی .

(این مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۸ اینطور اصلاح شود :

ماده ۱۸ - اگر کسی مالیات را بکسی که از طرف دولت مأموریت نداشته باشد بدهد از او پذیرفته نخواهد شد .

کازرونی - بنده اصلاح پیشنهاد حذف کردم و مقصود این بود که اگر در مجلس در این قانون بخصوص يك همچو ماده را بگنجانیم سایر قوانین در حال بحران واقع می شود .

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست .

کازرونی - قدری حوصله بفرمایید قانونی که برای قنما و شتیم نکنیم که هر کسی بدون اجازه دولت عایدی قندرا گرفت چنین و چنان بشود همچنین سایر مالیات هائی که ما وضع میکنیم مسلم است که اگر کسی برخلاف امر دولت مالیات گرفت آن کسی که داده دولت از او قبول نمیکند آنکسی هم که گرفته است غلط کرده است ممکن است از خرمن هم يك دزدی هائی بشود .

یس مایک ماده اینجا وضع بکنیم که اگر کسی از خرمن مقداری دزدید چکارش میکنند اینها دیگر ازومی ندارد زیرا فقط دولت حق اخذ مالیات دارد و بجز مأمور دولت کسی دیگر حق اخذ مالیات ندارد .

اگر کسی بطور رفت یا باچوب و چماق يك مالیاتی را بگیرد و يك غلط هائی بکند دولت در حدود اقتداراتی که دارد نوبی سرش میزند در اینجا از کر یک همچو چیزی لزوم ندارد .

این است که بنده پیشنهاد کردم که اگر کسی مالیات را بکسی داد که آن شخص از طرف دولت مأموریت ندارد دولت از مالیات دهند نیز ببرد .

رئیس - عقیده مخیر کمیسیون چیست ؟

مخیر - بنده نمی توانم قبول کنم .

کازرونی - چون مخیر موافق نیستند استرداد میکنند .

رئیس - پیشنهاد آقای فرمند . (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۱۸ اضافه شود .

وزارت مالیه حق نخواهد داشت که ملاکین را مأمور وصول مالیات بنماید .

فرمند - آقایان و کلاء اغلب شکایت داشتند از اینکه بودجه وزارت مالیه گزاف است .

ولی نمی دانند اگر بخواهند مالیات تمام بلوکات ایران را مأمورین وزارت مالیه

جمع کنند مجبورند صدی ۷۰ از مالیات مستقیم را خرج وصولش کنند .

اینکه بعضی آقایان می فرمایند بعضی ابواب جمعی باید لغو شود تصور نمیکنند که بموجب ماده اول این قانون مبنی مجبور خواهند بود تمام ملاکین را مأمور وصول مالیات حیوانات دهاتشان بکنند بواسطه اینکه اگر غیر از این ترتیب بخواهند بکنند باید در هر دهی يك مأمور داشته باشند تا بتوانند مالیات ها را جمع کنند در صورتی که اغلب اوقات مأمورین دولت ملاکین را مجبور بخدمتگداری افتخاری میکنند با این حال متصل در مجلس ملاک راهو میکنند .

این است که بنده این تبصره را پیشنهاد کردم تا در آتیه دولت وکلای مجلس شورای ملی که بعدها خواهند آمد بفهمند که ملاکین خدمات مجانی بدولت میکنند و هر دفعه هم وکلای مجلس شورای ملی ملاکین را که خدمت افتخاری میکنند هو نکنند !!

این ابواب جمعی ها تصور نکنید برای ملاکین منفعت دارد . خیر مجانی است !!

بنده میخواستم این قسمت اضافه شود تا بدها معلوم شود خدماتی که ملاکین مجاناً میکنند چه بوده است .

معاون وزارت مالیه - بنده گمان میکنم يك مختصر عرض ساده که کردم کافی بوده است از برای اینکه نظر دولت در ضرورت گذراندن این مطلب ظاهر شده باشد و بهیچوجه نخواستم ذیلی به این مطلب بدهم و نخواهم داد و بهیچوجه من الوجوه هم عنوان این را نکردم که امروز هستند ملاکین که در واقع مالیاتی را که متعلق بدولت است آنها من غیر حق میروند مطالبه میکنند .

عرض کردم يك طریق ابواب جمعی در این مملکت جاری بوده است و آنها از بین رفت .

حالا ممکن است باهم بعضی جاها باشد دولت هم روز بروز در صدد است که جزء جمع مالیات خودش راحتی نسبت بقران و صد دینار در يك مجموعه و دناتری مرکزیت بدهد و عمل کند .

بنابر این بهیچ وجه من الوجوه همچو تصویری نیست و از طرف دولت که بطور قطع میتوانم عرض کنم که نسبت با آقایان محترم ملاکین همچو سوء فرضی نبوده و نیست .

ولی بعضی مطالب است که گمان میکنم ذکر جزئیاتش ضرورت نداشته باشد و در آنجائی که این ماده نوشته شده چهار پنج چیز در نظر گرفته شد در این ماده نوشته شد و بودنش بهتر از نبودنش است .

فرمند - اجازه می فرمایند .

رئیس - این يك سوء تفاهم نظامنامه

نیست بعد حل کنید رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فرمند آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد ختم جلسه هم شده است . آقای زاهدی قبلاً پیشنهاد کرده بودند آقای اخگر و شوشتری هم پیشنهاد کرده اند . آقای شوشتری توضیح بدهید .

شوشتری - باینکه آقایان همه علاقمند هستند که قانون ممیزی زود تر برگردد و تمام شود بنده می بینم در يك موادی که خیلی مصرح واضح است بقدری پیشنهاد داده می شود که بکلی مطلب از دست میرود از يك طرف کار هم زیاد کردیم شب هم آن مجلس را داریم استدعا دارم آقایان جلو پیشنهادات خودشان را بگیرند یا اینکه بگذارند جلسه ختم شود .

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده گمان میکنم که پیش نهادات خاتمه پیدا کرده فقط يك رأی لازم است که باین ماده داده شود و توضیح آقای شوشتری هم بر طبق پیشنهادشان نبود برای اینکه مجلس را مخیر کردند .

رئیس - رأی می گیریم بختم جلسه آقایانیکه موافقند قیام فرمایند . (معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای اتحاد گمان میکنم تأین شده .

اتحاد - بلی بنده تصور کردم که آقای مخیر استرداد کردند بنده این پیشنهاد را کردم .

رئیس - پیشنهاد آقای نظامی هم در ضمن سایر پیشنهادات رد شده است يك پیشنهاد دیگر هم هست که امضایش را نمی توانم بخوانم .

رأی می گیریم باصل ماده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند . (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . حالا اگر آقایان تصویب می فرمایند جلسه را ختم کنیم نمایندگان صحیح است .

رئیس - جلسه آتیه روز ۳ شنبه ۳ ساعت ونیم قبل از ظهر دستور هم بقیه دستور امروز .

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی مشهاب

منشی - علی خطیبی

جلسه ۲۲۸

صورت مشروح مجلس

پنجشنبه بیست و ششم

آذرماه ۱۳۰۴ مطابق غره

جمادی الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید

صورت مجلس ۵ شنبه نوزدهم

آذرماه را آقای آقامیرزا شهاب

قرائت نمودند

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - در صورت مجلس بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه ثبت کرده اند آن روز بکه بنده عرض می کردم کسی که کسالت داشت دیگر اجازه لازم ندارد برای يك همچو روزی بود و برای همه آقایان هم بود .

بنده کسالت داشتم و الان هم کسالت دارم ولی بی اجازه ثبت کرده اند که کسی بی اجازه ثبت کند آمده ام در صورتی که کسالت بهترین عذر ها است نمی دانم چرا کمیسیون قبول نمی کند .

شیروانی - بخیر بسید .

دست غیب - نوشتم ولی قبول نشد

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای طهرانی .

(اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده در موقعی که آشنا بتاریخ ایران شدم خاصه تاریخ قرون اخیر هر وقت تاریخ کریمخان زند را مراجعه می کنیم همیشه اسباب تألم و تأثر من می گردد .

البته همه آقایان می دانند وقتی که سلطنت منتقل بقاجاریه شد بکنفران بزرگ ترین سلاطین ایران کریمخان زند که خدمات او نسبت بایران و اخلاق ایران و استقلال ایران در تمام تواریخ ایران بلکه تواریخ خارجه مشعون است نعتش این را در مدون وطن پرست اخلاقی را از مقبره او بردند بطهران و آغامحمدخان امر کرد در زیر تخت مرمر دفن کنند که هر وقت می رود روی تخت پا به استخوانهای او بگذارد .

حتی بنده در تاریخ سر جان ملکم دیدم که این اسائه ادب نسبت به بزرگترین پادشاهان ایران نادرشاه قاجار هم اتفاق افتاده است

بعضی از نمایندگان - نادرشاه

افشار .

طهرانی-بلی نادرشاه افشار- در این موقع که سلطنت حقا از طرف ملت به اعلیحضرت بهلوی تفویض شده و در این موقع که احساسات ایرانی نسبت بخادمین قدیم از سلاطین فوق العاده است بنده تقاضای کنم از روح پاک مجلس که روح پاک ایرانی است که از دولت حاضر بخواهند که این استخوان های پر از شهامت و شجاعت و وطن پرستی و اسلامیت را از این مکان بیرون بیاورند و به یک مکان مقدس که قابل برای احترام باشد دفن کنند این تقاضای بنده است .

رئیس- آقای آقا شیخ فرج الله فرمایشی دارید ؟
آقا شیخ فرج الله خیر عرضی ندارم .
جمعی از نمایندگان- دستور .
رئیس- چند فقره خیر از کمیسیون عریض و مرخصی رسیده است بعرض مجلس می رسد .

اول راجع بغیبت یک هفته آقای یاسائی است ، کمیسیون هم تصویب کرده است .
(دایرت مزبور بشرح ذیل قرائت شد)
آقای یاسائی نمایندگی محترم نظر برحلت مرحوم آقای شریعتمداری نماینده شاهرود گرفتاری پیدا کرده و تقاضای یک هفته مرخصی نموده اند کمیسیون عذر ایشان را کاملا موجه دانسته و تقاضای مرخصی ایشان را از تاریخ ۱۰ آذرماه لغایت یک هفته تصویب می نماید .

رئیس- آقای اخگر (اجازه)
اخگر- موافقم
رئیس- رأی می گیریم- آقایانی که مرخصی یک هفته ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب برخاستند)

رئیس- تصویب شد . خبر دیگر راجع بتمدید مرخصی ۱۸ روزه آقای تجدد است کمیسیون هم تصویب کرده است .
(بعضیون ذیل قرائت قرائت گردید)
آقای تجدد نماینده محترم بکمیسیون مراجعه و اظهار فرموده اند که در مدت مسافرت خود مریض شده و بدین جهت در موعد مقرر نتوانستند در مرکز حاضر شوند و تقاضای ۱۸ روز امتداد مرخصی از ۱۱ آبان ماه نموده اند .

کمیسیون بعد از تحقیق عذر ایشان را موجه دانسته مرخصی ۱۸ روزه فوق را تصویب می نماید .

رئیس- رأی می گیریم به ۱۸ روز تمدید مرخصی آقای تجدد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)
رئیس- تصویب شد . خبر دیگر راجع به مرخصی دو ماهه آقای زعیم است قبلا سه ماه اجازه خواسته بودند و تصویب هم شده بود ولی چون استفاده نکرده بودند حالا

تجدید میکنند کمیسیون هم تصویب کرده است .
(بترتیب ذیل خوانده شد)
آقای زعیم نماینده محترم نظر به کسالتی که دارند تقاضای ۲ ماه مرخصی نموده اند .

نظر باینکه سابقا سه ماه اجازه از تاریخ ۱۲ دلو ۱۳۰۳ نموده بودند و تصویب نیز شده بود ولی استفاده نکرده اند و نظر باینکه کسالت مزاجی دارند کمیسیون ۲ ماه مرخصی ایشان را از تاریخ ۲۱ آبان ماه تصویب می نماید .

رئیس- آقای زعیم (اجازه)

آقا سیدخان زعبیه چنانچه در دایرت هم است بنده از تاریخ بیست و یکم آبان ماه که تا حالا یک ماه است تقاضای مرخصی کرده بود ولی فقط شش هفته جلسه که مریض بودم نتوانستم حاضر شوم استدعا دارم همان هفته جلسه را تصویب فرمایند از تاریخ بیست و یکم آبان ماه تا ۷ جلسه .

بعضی از نمایندگان- اینطور که نمی شود رأی داد
زعیم- استدعا میکنم ۲۰ روز تصویب فرمایند .

رئیس- آقای مخبر کمیسیون عقیدشان چیست ؟
دکتر آقایان مخبر کمیسیون - تصور نمیکنم کمیسیون با کم کردن مدت مرخصی ایشان مخالف باشد .

رئیس- ۲۰ روز رأی می گیریم .
آقایانیکه مرخصی ۲۰ روزه ایشان را از بیست و یکم آبان ماه تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد . ماده نوزدهم قانون ممیزی مطرح است . قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده نوزدهم- هرملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که مقدمتا از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

رئیس- آقای میرزا محمدخان و کیل (اجازه)

آقا میرزا محمدخان و کیل- بنده این ماده را بطوریکه می بینم کمیسیون خواسته است بعضی از عوارض را که وزارت مالیه همیشه می گفت چون ممیزی نشده است نمی توانیم معاف کنیم از آنها جلو گیری کند .

ولی مالیات هائی که بتصویب مجلس رسیده فقط عبارت از مالیات سرانه و خانوار نیست چندین مالیات دیگر هم هست
مثلا حق المرتع که حتی خاطر دارم یکی از آقایان نمایندگان چندی قبل اظهار

کردند که در کرمانشاه باسم حق المرتع از اتومبیل مالیات می گرفتند و خیلی چیز های دیگر هم هست و بنده شنیدم راجع باین موضوع ها در کمیسیون اظهاراتی شده است .

حالا ممکن است آقای مخبر آن را بفرمایند که اگر ما هم با آن اظهارات موافق بودیم بهتر والا بموقع عریضم را عرض میکنم .

حائز یزاده (مخبر کمیسیون)- بنده تصور میکنم این شکل که ماده تنظیم شده کاملا نظر آقای مخالف را نماند میکند

در این ماده مینویسد که هرملکی که مطابق مواد این قانون مالیات بپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که مقدمتا از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معافست اگر نظر آقا اینست که چرا اسم سرانه و خانوار ذکر شده است و اگر ذکر نشده بود اثرش بیشتر بود چون یک نظر خاصی نسبت باین دو مالیات بود و در دوره چهارم هم یک چیز هائی از طرف آقایان نمایندگان نسبت باین دو موضوع اظهار میشد باین جهت اسم این دو مالیات نوشته شد والا این ماده شامل تمام مالیاتهای غیرقانونی که از تصویب مجلس نگذشته است می شود و هیچ جای اشکال هم نیست .

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی- امر دایر است باینکه یا بنده نفهمیدم یا عبارت ناقص است بمعنی بنده بقدری مطلب واضح است که غلط است و محتاج توضیح نیست
باز هم عرض میکنم یا من نفهمیدم (بعضی از نمایندگان- صحیح است) یا درست ننوشته اند .

اینجا مینویسد هرملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که مقدمتا از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معافست .

مالیات هائی که از مردم گرفته میشود عناوین مختلف دارد . حتی برای سر تراشی یک خانگی که سابقا یک پولی میدادند این آمده است جزء مالیات شد .

در سابق که یک نفر خان وضابطی ارزاق مردم را محدود می کرد و یک پولی میگرفت امروز که مالیه عمل بجزء میکند هم آن پولها را بنام مالیات میگیرد و هم مالیاتهای دیگری که تمدادش از قوه و قدرت بنده خارج است .

اغلب این مالیات ها را مجلس یا باصراحه تصویب کرده است یا ضمنی تصویب کرده است یعنی باجزء بودجه کل آمده است و بطور ضمنی مجلس تصویب کرده است یا این است که مجلس تصویب کرده

است که مالیات هائی که معمول و متداول بوده است بایستی مردم اصلا و فرها بپردازند و در مالیات هائی که معمول بوده است همه جور مالیات متفرقه و درهم و برهم از مردم به عناوین مختلف گرفته میشود .

علت اینکه ما حاضر شدیم یک قانون ممیزی بنویسیم این بود که این مالیات های مختلفی که در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد و حقیقتا ذکرش اسباب شرمسازگی و سرافکندگی و ننگ است از میان برود . اینجا مینویسد:

مالیات هائی که بتصویب مجلس رسیده است موقوف است .

این نکته را باید با آقایان تذکر بدهم که این عبارت را بچه باید تعبیر کرد ؟ که بگوئیم مالیات هائی را که مجلس تصویب نکرده است و مالیه میگیرد و ما میخواهیم جوانمردی کنیم و بگوئیم پس از گذشتن این قانون وزارت مالیه آن مالیات های خلاف قانون را نگیرد حاجی فلان کرایه مسجد را معاف کرد ؟ این هم از همان قبیل است این چیز غریبی است ؟

مالیاتی را که مجلس تصویب نکرده است مالیه اصلا نباید بگیرد . این خودش غلط اندر غلط است که ما تصدیق کنیم یک مالیاتی را که مجلس تصویب نکرده است مالیه بگیرد .

عقیده بنده اینست که باید اینجا صراحتا نوشته شود پس از تصویب این قانون کلیه مالیاتها از قبیل سرانه و خانوار و غیره که مجلس هم تصویب کرده باشد باید موقوف شود و این مالیاتی که ما داریم اینجا وضع میکنیم در مقابل آن مالیات ها است مگر اینجا گفته شده که اگر دیدیم صدی سه و نیم کم بود صدی پنج و صدی شش میکنیم که این مالیات های درهم و برهم از بین برود .

مالیاتی که کفش ، خیاطی ، سراجی و هزار قسم مالیات های دیگر که معلوم نیست مصداق دارد یا ندارد از بین برود .

یک وقتی یک ضابطی . یک خانگی . یک شاهی . از یک کس یک پولی گرفته است یا یک کسی رفته است توی یک بیابانی نشسته و یک عده آمده اند یک هدیه با داده اند همان هدیه آن روزی مالیات شده است .

فرضا مجلس هم تصویب کرده باشد آیا باید آنها را باقی بگذاریم؟ این ذکرش بد است و نباید اصلا نوشته شود .

معاون وزارت مالیه - مسئله دو قسمت دارد و یک تفاوتی در بین هست . منظور از تنظیم این ماده این بوده است که عوارضی که تا به حال در ضمن مالیات های ارضی از رعیت گرفته می شده است باید منسوخ و ملغی شود

البته آقایان بخوبی اطلاع دارند که غیر از مالیات نقد و جنس که باسم مالیات نقدی و جنس اراضی از مردم گرفته میشود یک عوارض دیگری هم عمال دولت باسامی

مختلف میگرفته اند و آنجیزهائی است که اغلب نوبت در خاطر مازست و یک چیز هائی است که مالک و رعیت بهتر میدانند. مقصود از ذکر این ماده انعام این قبیل عوارض است که در مالیاتهای ارض معمول به بوده است و لامعضی مالیات هائی که آقای کازرونی میفرماید که مرود در حد مالیات های صنفی و اقسام مالیات های دیگر آن ها چیز دیگری است مگر در مجلس مذاکره شده است و نظر دولت هم این بوده است که مالیاتها متحدالشکل شود و بعضی از مالیاتها از بین برود در صورتی که بجای آنها يك هواند دیگری پیش بینی شود مقصود هر ضم این است که باید بین این دو مسئله تعزیه شود بلك وقت صحبت از مالیات های صنفی و غیره است که میفرماید در فلان سال فلان حاکم فلان کار را کرده است و بعنوان مالیات مانده است یکی هم اینست که در ضمن گرفتن مالیات های ارضی يك عوارض هم میگرفته اند این عوارض بعد از این بکلی ملغی است و فقط باید يك نقد و جنس مطابق با قانون اخذ شود و این ماده این مقصود را بخوبی میرساند

پیشنهادی داده ام و گمان می کنم راه حلش هم همین باشد که آقایان نظریه خود را پیشنهاد فرمایند و بنده در پیشنهاد توضیح عرض میکنم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهاد آقای عراقی قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده نوزدهم بعد از لفظ خانوار عبارت نقدی و جنسی اضافه شود. عراقی - چون بنده دیدم در موقعی که مجلس مالیات خانوار را تصویب نکرد بین مردم و وزارت مالیه يك کشمکش هائی پیدا شد که منجر بسؤال استثناء از یکی یکی و کلاسه مجلس شد بلكستون بندی در بودجه کرده بودند و متذکر از تومان باسم خانواری نوشته بودند بعد که مجلس رد کرد هر جا که خانواری را جنس بدهکار بودند از قبیل قزوین و چاباق و لرستان هر جا که بود میگفتند راست است ولی نقدی را مجلس نکرده ولی جنس را باید بدهید و تصور می کنم اگر حالا بعد از لفظ خانوار نقدی و جنسی را بگذاریم دیگر نزع این دولت و رعایا واقع نخواهد شد.

معاون وزارت مالیه - بنده تصور میکنم پس از آنکه مجلس مالیات خانوار را لغو کرد ماحق داشتیم جنس را مطالبه کنیم زیرا اگر خاطر آقایان باشد در موقعی که بودجه مطرح بود در آن ماده که راجع به خانواری بود ورای داده نشد يك رقم باسم مالیات نقدی خانواری بود که مجلس رد کرد راجع بخانوار بود اسم جنس خانواری در این رأی مجلس نبود ما طلبه میکردیم ولی نظر باینکه دولت خیال استفاده نداشت از این قبیل موارد همین قدر که تمایل مجلس نسبت به نقدی معلوم شد نسبت به جنس هم که ما تسهیل میکردیم بعداً امر داده شد که جنس را هم مطالبه نکنند و نظر باینکه همین طور هم عمل کرده ایم در این پیشنهاد هم مخالفتی نداریم - رئیس - نظریه کمیسیون چیست؟ مخبر - پیشنهاد بفرمائید بطوریکه همین ماده تامین میکند. رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

مختلف میگرفته اند و آنجیزهائی است که اغلب نوبت در خاطر مازست و یک چیز هائی است که مالک و رعیت بهتر میدانند. مقصود از ذکر این ماده انعام این قبیل عوارض است که در مالیاتهای ارض معمول به بوده است و لامعضی مالیات هائی که آقای کازرونی میفرماید که مرود در حد مالیات های صنفی و اقسام مالیات های دیگر آن ها چیز دیگری است مگر در مجلس مذاکره شده است و نظر دولت هم این بوده است که مالیاتها متحدالشکل شود و بعضی از مالیاتها از بین برود در صورتی که بجای آنها يك هواند دیگری پیش بینی شود مقصود هر ضم این است که باید بین این دو مسئله تعزیه شود بلك وقت صحبت از مالیات های صنفی و غیره است که میفرماید در فلان سال فلان حاکم فلان کار را کرده است و بعنوان مالیات مانده است یکی هم اینست که در ضمن گرفتن مالیات های ارضی يك عوارض هم میگرفته اند این عوارض بعد از این بکلی ملغی است و فقط باید يك نقد و جنس مطابق با قانون اخذ شود و این ماده این مقصود را بخوبی میرساند

مختلف میگرفته اند و آنجیزهائی است که اغلب نوبت در خاطر مازست و یک چیز هائی است که مالک و رعیت بهتر میدانند. مقصود از ذکر این ماده انعام این قبیل عوارض است که در مالیاتهای ارض معمول به بوده است و لامعضی مالیات هائی که آقای کازرونی میفرماید که مرود در حد مالیات های صنفی و اقسام مالیات های دیگر آن ها چیز دیگری است مگر در مجلس مذاکره شده است و نظر دولت هم این بوده است که مالیاتها متحدالشکل شود و بعضی از مالیاتها از بین برود در صورتی که بجای آنها يك هواند دیگری پیش بینی شود مقصود هر ضم این است که باید بین این دو مسئله تعزیه شود بلك وقت صحبت از مالیات های صنفی و غیره است که میفرماید در فلان سال فلان حاکم فلان کار را کرده است و بعنوان مالیات مانده است یکی هم اینست که در ضمن گرفتن مالیات های ارضی يك عوارض هم میگرفته اند این عوارض بعد از این بکلی ملغی است و فقط باید يك نقد و جنس مطابق با قانون اخذ شود و این ماده این مقصود را بخوبی میرساند

معاون وزارت مالیه - بنده تصور میکنم پس از آنکه مجلس مالیات خانوار را لغو کرد ماحق داشتیم جنس را مطالبه کنیم زیرا اگر خاطر آقایان باشد در موقعی که بودجه مطرح بود در آن ماده که راجع به خانواری بود ورای داده نشد يك رقم باسم مالیات نقدی خانواری بود که مجلس رد کرد راجع بخانوار بود اسم جنس خانواری در این رأی مجلس نبود ما طلبه میکردیم ولی نظر باینکه دولت خیال استفاده نداشت از این قبیل موارد همین قدر که تمایل مجلس نسبت به نقدی معلوم شد نسبت به جنس هم که ما تسهیل میکردیم بعداً امر داده شد که جنس را هم مطالبه نکنند و نظر باینکه همین طور هم عمل کرده ایم در این پیشنهاد هم مخالفتی نداریم - رئیس - نظریه کمیسیون چیست؟ مخبر - پیشنهاد بفرمائید بطوریکه همین ماده تامین میکند. رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

مختلف میگرفته اند و آنجیزهائی است که اغلب نوبت در خاطر مازست و یک چیز هائی است که مالک و رعیت بهتر میدانند. مقصود از ذکر این ماده انعام این قبیل عوارض است که در مالیاتهای ارض معمول به بوده است و لامعضی مالیات هائی که آقای کازرونی میفرماید که مرود در حد مالیات های صنفی و اقسام مالیات های دیگر آن ها چیز دیگری است مگر در مجلس مذاکره شده است و نظر دولت هم این بوده است که مالیاتها متحدالشکل شود و بعضی از مالیاتها از بین برود در صورتی که بجای آنها يك هواند دیگری پیش بینی شود مقصود هر ضم این است که باید بین این دو مسئله تعزیه شود بلك وقت صحبت از مالیات های صنفی و غیره است که میفرماید در فلان سال فلان حاکم فلان کار را کرده است و بعنوان مالیات مانده است یکی هم اینست که در ضمن گرفتن مالیات های ارضی يك عوارض هم میگرفته اند این عوارض بعد از این بکلی ملغی است و فقط باید يك نقد و جنس مطابق با قانون اخذ شود و این ماده این مقصود را بخوبی میرساند

مختلف میگرفته اند و آنجیزهائی است که اغلب نوبت در خاطر مازست و یک چیز هائی است که مالک و رعیت بهتر میدانند. مقصود از ذکر این ماده انعام این قبیل عوارض است که در مالیاتهای ارض معمول به بوده است و لامعضی مالیات هائی که آقای کازرونی میفرماید که مرود در حد مالیات های صنفی و اقسام مالیات های دیگر آن ها چیز دیگری است مگر در مجلس مذاکره شده است و نظر دولت هم این بوده است که مالیاتها متحدالشکل شود و بعضی از مالیاتها از بین برود در صورتی که بجای آنها يك هواند دیگری پیش بینی شود مقصود هر ضم این است که باید بین این دو مسئله تعزیه شود بلك وقت صحبت از مالیات های صنفی و غیره است که میفرماید در فلان سال فلان حاکم فلان کار را کرده است و بعنوان مالیات مانده است یکی هم اینست که در ضمن گرفتن مالیات های ارضی يك عوارض هم میگرفته اند این عوارض بعد از این بکلی ملغی است و فقط باید يك نقد و جنس مطابق با قانون اخذ شود و این ماده این مقصود را بخوبی میرساند

وزمین هم مال خودم است آنوقت پس چرا آن بولی که از بابات آب و نهر بدولت میدم آنرا مستثنی نمی کنند!! چیز غریبی است!! رعیت باید پنجاه تومان بول آب بدهد و با این پنجاه تومان پنجاه من جنس بخر بکارد و تا وقت درو پنجاه پنجاه تومان باید بدهد تا بتواند رعیت کند... يك نفر از نمایندگان - آنور که قانون نیست - سهراب زاده - بنده پیشنهاد داده ام و در پیشنهاد خودم هم باید توضیح بدم آنوقت با این ترتیب صد و پنجاه تومان باید رعیت میشود در حالتی که دوست و پنجاه تومان باید بدهد بدیهی است و قتیکه بنا شود رعیت يك همچو بولی بدهد و پول بخر و گاؤرا هم از جیب خودش بدهد اصلاً همچو زراعتی کند رعیت وقتی زراعت می کند که پس از آنکه مالیات دولت را داد اقلاً یک چیزی هم برای خودش باقی ماند فرض کنید امشب باران می آید و آب رودخانه زیاد میشود میر آب را ول میکنم بمیله و میگویید این فاضل آب است آنوقت اگر کسی آب بخواهد باید پول بدهد بخرد. علاوه در ماده یازده همین نظامنامه میگوید... رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را هم ملاحظه کنید. سهراب زاده - چشم در اینجاست بنویسد تا بیستم عقب حمل و ثور و جوزا هیچ سرطان - اسد - سنبله و میزان را چه کند؟ رعیت باید تا بیستم عقب دستش را روی دستش بگذارد و گاوش بیکار بماند و همین طور در آفتاب بنشیند و چپ بکشد. ببیند چه میشود برای اینکه دولت در نظامنامه نوشته که بیستم عقب آب میدهم اگر هم فرض کنیم که میخواهند احتیاج خالصه را رفع کنند کسیکه نظرش بمملکت باشد املاک اربابی و خالصه چه فرق دارد؟ در هر صورت دولت باید سعی و کوشش کند که ارض مملکت را حفظ کند و رعیت خالصه یا رعیت اربابی بنظر بنده فرق ندارد. خلاصه این نظامنامه که الان بنده روی میز گذارده ام در این موقع که قانون باید تکلیفش معین شود. یا باید لغو شود یا فکری باید برای دهائی که آب برای کشت و زرع میخواهند بشود. معاون وزارت مالیه - رودخانه جاجرد که موضوع بحث این مسئله است از يك حدودی که به پائین جاری میشود مالکین يك مقدار انهار را از آن جدا کرده اند و با آن اراضی زراعتی خودشان را مشروب می کنند. بنا بر این قسمی که تقسیم شده است آنها آزاد و مختارند و همه ساله کلا

زراعتی خودشان را صورت میدهند ولی البته آن مقداریکه فاضل آب رودخانه است متعلق بدولت است و دولت می تواند بفرشد. اگر این طور باشد آنوقت مجموع این لایحه يك قسمت از بودجه و عایدی مالکتر را از بین خواهد برد بهر حال راجع باین موضوع با زهم بنده خدمت نمائنده محترم عرض میکنم خوبست در ادارات بکار بر روند و از کسانی که متصدی کار هستند صورت عمل را بخواهند و ببینند آب عبارت از چه مقدار است انهار منضمه چه قدر است و فاضل آبش در سال چه قدر فروخته می شود و تقسیمات آب چه طور بعمل می آید و از نسبت و مقدار و تقسیمات انهار و از تمام این مراتب مطلع خواهند شد. ولی بلكه چو مسئله مهمی را ما میخواهیم در ضمن این قانونی که مطرح است قرار بدهیم این بقیده بنده هیچ خوب نیست مخبر - بنده تصدیق می کنم فرمایشات نماینده محترم را که این معایب در کار هست ولی این قانون میزری تمام دردهای مراد و انمی کند. دولت بدیخته خودش عنوان مالک دارد و در بعضی نقاط خالصه دارد. قنات دارد. و بالاخره عنوان مالک را دارد. همینطور که اگر يك اشخاصی قنات یا آب زیادی داشته باشند میتوانند بفرشند. ما نمیتوانیم این عایدات دولت را در تحت يك ماده قانون لغو کنیم مگر این که اصلاد دولت را از مالکیت بیندازیم و مسئله خالصه داشتن را لغو کنیم و این مسئله هم فرع بر اجازه فروش خالصات است. و هر وقت ما خالصه های دولت را بفرشیم آنوقت قهراً این عوارض لغو خواهد شد. ولی مادام که مالکیت دولت را قبول داریم و معتقدیم که دولت خالصه دارد و آن وقت دیگر کمیسیون نمی تواند این پیشنهاد را قبول کند. رئیس - رأی میگیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد. بعضی از نمایندگان - خوبست سایر پیشنهادات هم قرائت شود. رئیس - پیشنهادیکه اضافه بر ماده است مقدم بر سایر پیشنهادات است. رأی میگیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند) رئیس - تصویب نشد. پیشنهادات اضافی همین دوسه تا بود. راجع باصل ماده هم چندتا پیشنهاد صلاحی رسیده که متحد - المفهوم و المضمون هستند. بعضی آقایان میرسند (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقایان همهدوی و اسدی و شیروانی -

اصلاح ماده ۱۹ را بشرح ذیل پیشنهاد میکنیم. ماده ۱۹ از تاریخ شروع با اجرای این قانون کلیه مالیات های ارضی و آب و حیوانی مستقیم و سرانه و خانوار که عمل دولت از املاک و حیوانات دریافت میکردند خواه بعنوان مالیات خواه بعنوان عوارض و خدمتانه و تحصیل داری و غیره بهر اسم و رسم منسوخ و بجای آنها مالیات های مصرحه در این قانون دریافت خواهد شد. پیشنهاد آقای عدل - پیشنهاد می کنم ماده ۱۹ - از تاریخ اجرای این قانون کلیه مالیات های ارضی و آب و حیوانی مستقیم و سرانه و خانوار که عمل دراز از املاک دریافت میکردند خواه باسم مالیات خواه بعنوان عوارض و خدمتانه و تحصیل داری و غیره بهر اسم و رسم منسوخ و بجای آنها مالیات های مصرحه در این قانون دریافت خواهد شد. پیشنهاد آقای مدرس پیشنهاد میکنم ماده ۱۹ بطریق ذیل نوشته شود. هر آب و زمین و حیوانی که مطابق مواد این قانون مالیات میبرد از ذکلیه مالیات ها و عوارضیکه بالخصوص و سرانه از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده معاف خواهد بود. تبصره - بعنوان حقا به و فاضل آب رودخانه و عنوان حق مرتع و تعلیف از مرانج عمومی مالیات اخذ نخواهد شد. پیشنهاد آقای روحی - ماده ۱۹ را بشرح ذیل پیشنهاد می نماید. ماده ۱۹ هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میبرد از ذکلیه مالیات سرانه و خانواری و یاداران و نقدی و جنسی و سایر عوارض بهر اسم و رسم که قبلاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معافست. رئیس - پیشنهاد آقای میرزا شهاب قرائت می شود. (این طور قرائت شد) ماده ۱۹ را بطریق ذیل پیشنهاد می کنم. ماده ۱۹ پس از اجرا این قانون مالیات سرانه و خانواری نقدی و جنسی و سایر عوارضیکه بتصویب مخصوص مجلس شورای ملی نرسیده باشد منسوخ و ملغی خواهد بود. رئیس - پیشنهاد آقای آفا سید یعقوب (با این پیشنهاد ها قدری فرق دارد) پیشنهاد میکنم که ماده ۱۹ این نوع اصلاح شود پس از ادای مالیات املاک و مواشی مطابق این قانون کلیه مالیات مستقیم که سابقاً گرفته میشده است از هر قبیل که بوده موقوف خواهد بود. رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - غالباً این کیفیت بنده که از نواج و قوانینی که از قدیم طبع و توزیع شده سنگین و بر است گاهی بدر می خورد. مثلاً این ماده که امروز مطرح شد بنده مراجعه بکلیف خودم کردم این که خود وزارت مالیه انواع مالیاتها را سابقاً چاپ کرده و در بین و کلا توزیع کرده است. يك کتاب مفصلاً است. شاید اغلب آقایان هم خوانده باشند. بنده علاوه بر مالیات هائی که مجلس تصویب نکرده و می گیرند بعضی از مالیات هائی که بطور ضمنی یا بطور صریح بتصویب مجلس رسیده است بنده آنها را هم ظالمانه میدانم و معتقدم که در موقع خودش باید اصلاح شود. ما موفق شدیم که مهم ترین قدم اصلاحی را راجع بطرز مالیات گیری در ایران عجلتاً شروع کنیم و چون امروز راجع بمالیات مستقیم صحبت میکنیم باید انواع مالیات هائی را که مربوط بمالیات مستقیم است ولی ظالمانه است باید لغو کنیم. مسائل را نباید باینکه بیکدیگر مخلوط کرد مقصود بنده آن نکته است که آقای کازرونی فرمودند. بنده همیشه عرض کردم که باید قدم ها را یکی یکی برداریم و مسائل را هم مخلوط نکنیم تا موفق باصلاحات بشویم این پیشنهادی را که آقای عدل و بعضی دیگر تهیه کرده بوده بنده هم با مختصر تغییر عبارتی يك پیشنهادی کرده بودم بعد دیدم مال آقایان بهتر و جامع تر است. لذا آن را امضا کردم و این پیشنهاد غیر از یاداران که در پیشنهاد آقای بیات ذکر شده و حالا تذکر داده تمام انواع مالیاتها که مربوط بمالیات مستقیم است شامل میباید و اگر بیکمرتبه دیگر قرائت شود تصور می کنم تمام آقایانی که از مالیات گرفتن دردها مطلعند که در دهات و اراضی چه مالیاتی بعنوان مالیات مزارع و مواشی گرفته میشود تصدیق بکنند که این پیشنهاد جلو گیری از وصول آن مالیاتهای غیر قانونی خواهد بود و غالباً آقایان اطلاع دارند. چنانچه خود بنده هم غالباً دیده ام که کدخداهای کلا نترهای محل می آمدند و بیکه مالیات هائی از مردم می گرفتند یعنی دولت موجب نمیداد بکنند بعضی موجب میبمانند راز مردم مالیات میکردند. ما مقصودمان اینست که اینها هر چه هست لغو شود ولی در این پیشنهاد اسدی که برده نشده فقط یا داران بود که آنها بنده نظر نبود آقای بیات نوشتند و حالا بنده هم یاداران را پیشنهاد خودم ضمیمه می کنم. رئیس - آقای رضوی (اجازه) رئیس - عرض ندارم عمل - آقای عدل موافقم. رئیس - آقای شیروانی (اجازه) دارم بفرمائید

مختلف میگرفته اند و آنجیزهائی است که اغلب نوبت در خاطر مازست و یک چیز هائی است که مالک و رعیت بهتر میدانند. مقصود از ذکر این ماده انعام این قبیل عوارض است که در مالیاتهای ارض معمول به بوده است و لامعضی مالیات هائی که آقای کازرونی میفرماید که مرود در حد مالیات های صنفی و اقسام مالیات های دیگر آن ها چیز دیگری است مگر در مجلس مذاکره شده است و نظر دولت هم این بوده است که مالیاتها متحدالشکل شود و بعضی از مالیاتها از بین برود در صورتی که بجای آنها يك هواند دیگری پیش بینی شود مقصود هر ضم این است که باید بین این دو مسئله تعزیه شود بلك وقت صحبت از مالیات های صنفی و غیره است که میفرماید در فلان سال فلان حاکم فلان کار را کرده است و بعنوان مالیات مانده است یکی هم اینست که در ضمن گرفتن مالیات های ارضی يك عوارض هم میگرفته اند این عوارض بعد از این بکلی ملغی است و فقط باید يك نقد و جنس مطابق با قانون اخذ شود و این ماده این مقصود را بخوبی میرساند

شیر وانی - آیت الله شهاد آقای عراقی هم که اضافه (نقد و جرس) بود و قبول شد آتیه هم ضمیمه این پیشنهاد بشود.

البته اگر آنها را جزء حیوان حساب کنند ممکن است معاف باشند ولی ممکن است بگویند مالیات سرانه و خانوار را از ملک و حیوان نمیکند و چون توجیه حیوان دویا هستی نباید معاف باشی در این صورت اگر معین کنند از مالیاتی که از انسان نوع بشر که در ایران گرفته می شود (و برخلاف همه جای دنیا است) معاف هستند آنوقت بنده هم موافقم .

قسم نوشته شود هر ملک ریا قصبه مطابق این قانون مالیات بپردازد از مالیات سرانه خانوار و سایر عوارضی که مقدمه آن در مجلس شورای ملی تصویب نشده و حق المرتع در غیر موقع استفاده از مرتع از مکاری حامل گاوینچی گرفته می شود معاف است

خیلی هم کار خوبی است بنابراین از مرتع آنچه که متعلق به دولت است وقتی که در آنجا دوا باغ نام میبروند چرا میکنند باید آن حق المرتع را بدهند .

آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

مخبر - اصلاً يك اصطلاح مالیاتی است که میگویند مالیات را از ملک و حیوان می گیرند ولی در حقیقت مالیات را که حیوان نمیدهد بلکه صاحب آن ملک میدهد مالیات را انسان میدهد مشتتها بعنوان مالیات ملک و حیوان و این اصطلاح مالیاتی است .

اجاق - در اینجا مسا مالیات ارضی تصویب میکنند و همینطور برای مکاریها هم يك مالیاتی از قبیل نواقل معین کرده ایم و علاوه بر اینکه در هر جایی بعنوان خط زنجیر هم از مکاری يك مالیاتی میگیرند قاطری شش قران هم در این جا وضع کردیم .

اما اینکه مطلقاً حق المرتع را باین نظر در قانون منع بکنیم هیچ مورد ندارد زیرا دولت يك مرتعی دارد که آن مرتع را مادامیکه برای چرا و باغکندار حق المرتع را خواهد گرفت

فرج الله خان آصف - بنده موافقم ولی بایک اصلاح عبارتی

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

بنده در نظر گرفتن حالا که این همه تحولات بر اینها می شود و این مالیاتهای متعدد را میدهند پس لااقل از حق المرتع که در زمستان از آنها میگیرند معاف باشند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

که اینجا مذاکره می شود شامل میشود و بالاخره هر مالیاتی که هر کس مبتلا بآن بوده است پیش بینی کرده اند و آمده ایم لفظ به رسم و رسم را در اینجا نوشته ایم حالا آقا میفرمایند حق المرتع را نگیند و پیشنهاد هم کرده اند آقای معاون هم که مجبور است از طرف دولت دفاع کند و وقتی دفاع کردند دیگر ایشان نمیتوانند حرف بزنند و دفاع آقای معاون قانون میشود

خرواری بکفران و غیرها ملغی است و اخذ هر نوع قلق و فوق العاده و مخارج تحصیلدار ممنوع است .

اسم برده شده است و اگر اینجا در این قانون اسم برده شود آن وقت مثل طایفه زرتشتی يك مالیات جزئی می که داده اند می دهند در مقابل باید مخارجشان را مسلمین بدهند و این چیز غریبی است .

دیگر هم باشد ایشان اسم نبرده باشند وقتی اسم نبردند آنوقت متعین اینست که باید مالیات مالیات آنرا بگیرد ولی وقتی که عبارت بهیچ است و رسم نوشته شود آنوقت مالیاتهای که از تصویب مجلس نگذشته است دیگر گرفته نمیشود و بعقد بنده اینترتیب بهتر است

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

رئیس - آقا میرزا شهاب - مقصود همین است ولی این عبارت این مقصود را تأمین نمیکند .

چیزی را که منظور بوده است از تنظیم این ماده این بوده است که از عوارضی که در ضمن مالیات ملکی یعنی مالیات آبی و خاکی گرفته می‌شده است آنها باید لغو شود.

باین معنی که اگر علاوه بر عشریه که مودی مالیات میدهد یک مبلغ هائمی هم باسم عوارض مختلفه از زمین و آب بنام مالیات ملکی گرفته می‌شده آنها باید بعد از تصویب این قانون گرفته نشود.

ولیکن پیشنهادی حالا یعنی در چند دقیقه قبل تقدیم شد واسامی مختلفه مالیاتهای زیادی در آنجا نوشته شده است که آنها هیچ مربوط به مالیات های ملکی نیست بنده هم معتقد نیستم که این قبیل مالیاتها در مملکت برقرار باشد ولی البته باید بجای این مالیاتها یک مالیاتهای صحیح وضع شود که آبرومندانان باشد آنوقت این مالیاتها همه لغوی شود سابقا هم در این خصوص مذاکره شده پس بنابراین در این قسمت مالیاتها داخل شدن یا اینکه آنها را در این لایحه داخل کردن مورد ندارد.

اگر پیشنهادی میشود باید اینطور درست کرد تا زودتر بمقصود برسیم باین ترتیب که عوارضی را که در ضمن اخذ مالیات ملکی از آب و زمین گرفته می‌شده است آنها موقوف شود و اگر غیر از این باشد چون ممکن است مجهول باشد آنوقت اسباب اشکال از برای دولت و مودیان مالیاتی می شود و گمان میکنم در عوض اینکه این قانون از برای تسهیل امور دولت و مودیان مالیاتی باشد اسباب اشکال برای آنها می شود.

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟
مخبر - قبول نمیشود.
رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای میثم که گمان میکنم تا این حد باشد و این پیشنهاد را که موافقت قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دکترا احتشام هم گمان میکنم تا این حد باشد و این پیشنهاد را که موافقت قیام فرمایند.

(اینطور قرائت شد)

بنده ماده ۱۹ را اینطور پیشنهاد میکنم ماده ۱۹ هرملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میبرد از سایر مالیاتها و عوارض اعم از نقدی و جنسی معاف خواهد بود.

دکترا احتشام - این پیشنهاد تصور میکنم باین پیشنهادی که آقای دکترا آقایان کردند و قابل توجه نشد فرق داشته باشد برای اینکه در این پیشنهاد بعضی از مالیاتهای دیگری را هم که مربوط باین قانون نیست قید کرده بودند و اگر حقیقتاً ما بخواهیم سوء تعبیراتی که در مالیاتهای مسقیم نسبت باهائی اصناف یا کرمان یا سایر ولایات میشود آنچه که برخلاف قانون گرفته میشود

آنها را در این ماده ذکر کنیم این ماده ۱۹ باندازه تمام قانون ممیزی خواهد شد اینست که بنده بطور کلی اینطور پیشنهاد کردم که کلیه مالیاتهای که گرفته میشود باستثناء آنچه در این مواد مدون شده یعنی عوارضی که باسم مالیات ارضی و حیوانی گرفته میشود لغوی باشد.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟
مخبر - چون پیشنهاد آقای دکترا آقایان قبول نشد لهذا کمیسیون این راهم قبول نمیکنند.

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای دکترا احتشام آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد شاهزاده اکبر میرزا و آقای ثابت هم در همین زمینه است و تأمین شده معنای قرائت می شود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد می کنم ماده نوزدهم بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده نوزدهم - هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات می برد از مالیات سرانه و خانواری نقدی و جنسی و پادارانه و سایر عوارضی که مقدمتاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است.

اکبر میرزا - چون تأمین شده است دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای ثابت هم مسترد می دارند؟
ثابت - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای سهراب زاده ه دیگر موردی ندارد چون قسمت اولش تأمین شده و قسمت حقابه اش هم رد شده است.

پیشنهاد آقای نظامی هم همینطور است.

پیشنهاد آقای کازرونی (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که جمله پس از اجرا تبدیل شود به پس از ممیزی کازرونی - این پیشنهاد محتاج توضیح نیست برای اینکه پس از اینکه ممیزی شد البته اجرائش بادولت است و در اینجا این کلمه پس از اجرا معنی ندارد و باید کلمه (پس از اجرا) تبدیل شود به (پس از ممیزی) تا اینکه پس از ممیزی شدن املاک هم این مالیات ها موقوف باشد و اینکه وسیله باشد برای سرعت اجرا

مخبر - عین نظریه دولت و کمیسیون هم همین بوده و ماده ۲۱ هم مورد اجراء همین کرده ممکن است قبول شود

رئیس - قبول میفرمائید

مخبر - بلی قبول می کنم

رئیس - تبصره های پیشنهادی قرائت

می شود پیشنهاد آقای مدرس (اینطور خوانده شد)

تبصره - بعنوان حق آبه و فاضل آب رودخانه بعنوان حق مرتع و تعلیف از مراتع عمومی مالیات اخذ نخواهد شد

رئیس - قسمت اولش گویا مذاکره لازم داشته باشد در قسمت آخرش فقط باید توضیح بدهید

مدرس - حالا عرض میکنم این قانون ممیزی بعقیده من ماده مهم دارد یکی ماده اول است که متعلق باب و ملک است یکی هم متعلق بحیوانات است و یکی هم این ماده است که چند مالیاتی موقوف شود (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

قانون ممیزی یعنی این سه ماده از صبح تا حالا که صحبت داشتیم بعقیده من بعضی سئوال و جوابها از راه خودش بکفایتی دور رفت

معنی این ماده اینست که مالیات مستقیم هر چه بود از مملکت برداشته شود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) معنی مالیات مستقیم هم اینست که بفلان ده حواله می کردند پول جارو زوری چه تقسیم میکردند و پول می گرفتند این معنی مالیات مستقیم است تمام مالیاتها و عوارض که به آب و ملک تعلق می گیرد و بگوسفند تعلق می گیرد و خیلی از مالیاتهای را که اسم بردند جزء مالیات مستقیم بود.

این ماده باید دلالته داشته باشد باین که آنها موقوف است ما مبینیم همه آقایان هم موافقت که باید موقوف باشد ولی عبارت ها مختلف است آفاصل موضوع یکی است.

اختلاف فقط در دو چیز است یکی اختلاف در آب رودخانه است و یکی هم اختلاف در مراتع عمومی که باید معلوم شود که این پولی که از آب رودخانه ها می گیرند جزء مالیاتی است و این پولی که از مراتع می گیرند چه مالیاتی است

اولا مالیاتی که حالا ما وضع کردیم بر حیوانات مالیات مرعی است جمع مرعی است مرعی یعنی محل چریدن و این پولیکه ما وضع کردیم بر حیوانات پول چریدنش است

اگر دولت يك جائی مرتع خصوصی دارد برود بفروشد نه این که يك مرتع یا يك آبی باشد پهلوئی ده من و متعلق بدولت هم نباشد دولت تصرف در آن بکند

بلی اگر دولت يك آب یا يك مرتعی داشته باشد حق دارد آبرو بفروشد اما آبی که توی رودخانه می رود نه مال دولت است و نه مال کسی دیگر

هر وقت آمد توی مادی خالصه آنرا هر کار می خواهد بکند و وقتی توی مادی می آید متعلق بمن است من هم می خواهم

بفروشم می فروشم می خواهم زراعت بکنم زراعت میکنم و تا زمان مرتاد هم هیچ آب فروشی در مملکت مرسوم نبود و از زمان او این مسئله آب فروشی پیدا شد که از هر دهی يك بره می گرفتند و آب میدادند در آن زمان آمدند و برایش مالیات قرار دادند و اینکه آقای معاون می فرمایند دولت آب خودش را می فروشد باید اگر آب توی مادی خالصه آمد بفروشد بفروشد بفروشد اما اگر آبی که توی رودخانه می رود مشترك بین تمام مالکین و زارعین قراء اطراف این رودخانه است.

رودخانه سفیدرود سی فرسخ طولش است این طرفش ملک است و آن طرفش هم ملک است و ناوقتیکه این آب رودخانه توی مادی نرفته است و توی مادی املاک مجاور است این آب متعلق بان مالکین و زارعین اطراف آن آب است و الا آب توی رودخانه را هیچکس مالک نیست اختصاص به سفیدرود هم ندارد جاجرود هم همینطور است زاینده رود هم داریم جای دیگر هم داریم در سیستان هم داریم بیره سید اختصاص بجاجرود یا سفیدرود ندارد.

آب جاجرود بانصده را آب میدهد تمام این بانصده در این آب شریکند آب توی مادی هر کس رفت برود بفروشد لهذا این مالیاتی که بر آنها بسته اند ضرر بر عیت میزند برای اینکه هر زراعت را کم میکنند و هم مالیات ضرر وارد میکند و این پیشنهاد من هم این است که از آب رودخانه و مراتع عمومی (نه مراتع خصوصی) این پول گرفته نشود و چنانچه این پیشنهاد بنده اضافه شود باین ماده پیشنهاد فرمودند شاید مراد آنها هم حاصل شود و حقیقتاً یک حرف بقاعده و یک عدالت بقاعده است که این آب را هر کسی می خواهد برود زراعت کند برود و شما فقط از زراعتش مالیات بگیرید.

دیگر آب رودخانه را فروختن معنی ندارد.

معاون وزارت مالیه - بنده راجع بفروش آب رودخانه شاید نتوانستام بطور کافی عرایض خودم را بیان کرده باشم.

بنده هم مثل سایر آقایان آب رودخانه را متعلق بهم میدانم ولیکن این آب رودخانه متعلق بعموم وقتی در تحت نظر عمال دولت واقع میشود که در مشعبات رودخانه وارد شود.

البته مشعبات آن و انهارى که مثلا برای رود جاجرود درست کرده اند باید به بینیم چه مقدار مال دولت است و چه مقدار مال ارباب ملک و مالکین ؟ تقریباً پنجاه و دو یا پنجاه و پنج نهر از رودخانه جاجرود از محل معین الی آخر آن منقسم میشود که چهل یا چهل و پنج نهر او متعلق خالصه دولت هم مسلوب المنفعه میشود

بدولت یعنی از نهر خالصه دولتست و وقتی که آب وارد شد در آن نهری که متعلق بخالصه است البته متعلق بدولتست و مطابق سابق بسک نظامنامه که دولت دارد يك نظامنامه که دولت دارد يك حقى از فروش آن آب می گیرد و همانطور که آقا فرمودند مادامی که این آب در رودخانه جریان دارد مختص بيك شخص معین بادولت نیست حالا صرف نظر از اینکه دولت يك مخارجی دارد برای ساختن مجرى و نگاهداری انها ولی این مربوط باین است که یک وقتی در تمام مملکت ساختن مجرى آبها شروع شود.

ولی فعلا عملیاتی که در آن رودخانه میشود کاری است متعلق بدولت اعم از اینکه يك وقتی بر حسب ضرورت بطور مجانی و بلاعوض بر عايبا و مالکین بدهد یا بخواهد حقى از برای مخارج خودش بگیرد و اینها بسته بنظریات دولت است.

در حدود رودخانه جاجرود مسئله از همین قرار است که عرض کردم مثلاً آبی از رودخانه جاجرود می گذرد (قطع نظر از موافقی که سبب میاید و آب طقیان دارد) در مواقع عادى آنچه را که وارد میشود در انهار متعلق بدولت در آن ها دولت نظر دارد.

نسبت بمالکین هم البته مالکین هستند که استفاده می کنند يك مقدار آبی که از این رودخانه میگیرند ولی آبی این رودخانه با این تفصیلی که عرض کردم که دولت چهل الی پنجاه رشته نهر از این رودخانه متعلق به خودش است و در واقع دولت مالک این رودخانه است

آیا از این رودخانه اگر بخواهند مالکین هم جوار آن آب ببرند استفاده کنند باید بدولت يك حقايق هم بدهند یا نه آقا البته باین ترتیبی که عرض کردم باید يك حقايق بدولت بدهند و این قسمت جاجرود مخصوصاً تفاوت دارد با سایر جاها.

مثلاً در حدود گیلان اصلا طرز آبیگری طور دیگری است یا در جای دیگر قسم دیگریست بنابراین دولت راجع باین مسئله انهار رودخانه جاجرود نخواسته است تحمیلی بکسی بکند.

يك آبی است که يك اشخاص از آن آب استفاده میکنند آن وقت بواسطه يك زحمت و يك مخارجی که دولت متحمل شده است برای ساختن انها و حفظ و حراست آن ها از خراب شدن می آید و بآن اشخاصی که از آن استفاده میکنند می گوید :

مطابق نظامنامه که من دارم شما يك حقايق بمن بدهید برای اینکه اگر دولت نیامد و این انها را اصلاح نمی نمود اصلا آبی نبود که بانها داده شود و بگلی املاک آنها مسلوب المنفعه میشد و همچنین املاک خالصه دولت هم مسلوب المنفعه میشد

در هر صورت با این آب هم دولت استفاده میکنند و هم مالکین آبی برای این که در املاک خالصه کشت و زرع شود و محصول بردارند دولت باید از این آب استفاده کند چه فرق دارد که خودش این آب را بمصرف کشت و زرع برساند یا اینکه بفروش برساند و از این راه استفاده نماید.

بهر صورت بنظر بنده این فرقی نمیکند اما نسبت بقسمت دیگر فرمایش آقای مدرس راجع بمراتع عمومی و حق المرتع.

بنده مراتع لار را مثال میزنم ملاحظه فرمائید در لار مراتع وسیع هست که متعلق است بدولت و هم حدود هم هست و از سابق و سنوات عیدیه باین طرف يك حق المرتعی برای آن دولت مقرر کرده بود و صاحبان مراتع و مواشی هم با کمال رغبت آنجا رفته اند و دوایشان آنجا تعلیف کرده اند و بدولت هم يك حقى که مقرر بوده داده اند.

مالیات مراتع و مواشی يك چیزی است که اعم از اینکه مواشی در يك موقعی تعلیف و چرا بکنند یا نکنند باید مالیاتش را بدهند نه اینکه در تمام مراتع دولت دخالت کند در مراتع خصوصی خودش دولت مالیات مطالبه میکند و در تمام مملکت هم مراتع مواشی از مراتع دولت که تعلیف نمی شوند شاید در مراتع دولت يك مقدار کمی مراتع مواشی تعلیف میشوند و این مراتع دولت هم حال يك مرتع خصوصی را دار و دولت هم مرتع خودش را نگاه داشته است برای مراتع مواشی که می خواهند در آنجا چرا کنند و تعلیف شوند و البته با این حال باید حق المرتع را بدولت بدهند

ملاحظه فرمائید در اغلب دهات مالکین مخصوصاً مراتع نگاه میدارند برای اینکه از آن استفاده کنند دولت هم همین حال را دارد و از مراتع خصوصی خودش استفاده میکند.

رئیس عقیده آقای مخبر چیست؟
مخبر - با اصول فرمایشات آقای مدرس کمیسیون موافق است ولی این پیشنهاد ایشان وافى برای این معنائی نیست مرقوم فرموده اند بعنوان حقايق و حاصل آب رودخانه و بعنوان حق مرتع و تعلیف از مراتع عمومی اخذ نخواهد شد.

اگر دولت خودش جنبه مالکیت داری را نداشت و خودش خالصه نداشت و آبی نداشت که زیادی آنرا بفروشد این پیشنهاد تأمین میگردد زراعت مردم را و همچنین اسباب آسایش صاحبان مراتع مواشی بود ولی حالا که دولت خالصه دارد و جنبه ملک داری دارد تفکیک این فاضل آبی که مال خود دولت است با فاضل آبی که آقای مدرس تشریح کرده اند اشکال دارد و چون در این تبصره درست این قسمت تشریح نشده

است لهذا نمی توان این پیشنهاد را قبول کرد.

مدرس - سوء تفاهم شده است توضیحی می خواهم بدهم

رئیس - توضیحات خودتان را دادید هر کس هر چه باید بفهمد فهمیده است.

رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که با این پیشنهاد ایشان موافقت قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ارجاع می شود بکمیسیون سایر پیشنهادها هم ارجاع میشود بکمیسیون اگر آقایان موافقت می فرمایند جلسه را ختم می کنیم.

جلسه آتی يك شبه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه قانون ممیزی (مجلس ۲۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین منشی - م. شهاب منشی - علی خطیبی

جلسه ۲۳۹

صورت مشروح مجلس یکشنبه بیست و نهم آذر ماه ۱۳۰۴ مطابق چهارم جمادی الثانیه ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید

صورت مجلس پنجشنبه بیست و ششم آذرماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - آقای دست قیب (اجازه)

دست قیب - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرای نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

آقای دست قیب دست قیب - در سابق گویا اوائل دوره پنجم یا اوخر دوره چهارم بوده که مسئله نواقصی که در قانون استخدام کشوری دیده شد توجه آقایان را جلب کرد و يك عده ای از آقایان پیشنهاد کردند که تجدید نظری در قانون استخدام کشوری بشود بعد قانون استخدام کشوری رفت بکمیسیون و معلوم نشد چه شد

بنده که نمیدانم چه شده اینطور در کمیسیون ماند

عده ای هم که بواسطه قانون استخدام مظلوم واقع شده بودند همین طور مظلوم واقع شده اند و هستند يك عده ای هم که شاید مقام بلندتر را مستحق نبودند با مقام رسیده اند و اینهمه مثله از کمیسیون بیرون نیامد نمیدانم چه شد

اینست که يك عده ای از آقایان نمایندگانی يك طرحی پیشنهاد کرده اند که این طرح